

سنجش وضع مسئولیت پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: استان مازندران)

صادق صالحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

چکیده:

مسئله مسئولیت پذیری اجتماعی نسبت به حفظ محیط زیست در تمام سطوح و قشرهای جامعه، موضوعی است که در بند ۱۴ سیاست کلی محیط زیست ایران مورد تأکید قرار گرفته است و روستاییان نیز به عنوان یکی از گروه های عمده استفاده کننده از منابع محیطی، از این امر مستثنا نیستند. سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که روستاییان چه مسؤولیتی نسبت به محیط زیست احساس می کنند و رفتارهای مسئولانه محیط زیستی در بین آنها چگونه است؟ در این تحقیق، از چارچوب نظری انگیزه حفاظت استفاده شد و روش تحقیق به صورت پیمایشی و از نوع مقطعی بود. واحد تحلیل در این تحقیق، فرد روستایی و جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان مناطق روستایی استان مازندران در سال ۱۳۹۸ تشکیل داده اند. برای انجام نمونه گیری، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. تعداد روستاهای نمونه برای مطالعه حاضر، ۳۰ روستا بودند و حجم نمونه تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شدند. داده های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه جمع آوری شد. داده های پیمایش بعد از جمع آوری، در نرم افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفته و سپس، توصیف و تحلیل شدند. نتایج تحقیق نشان داد که میزان تمایل روستاییان به رفتار مسئولانه محیط زیستی و نیز میزان رفتار مسئولانه محیط زیستی آنها در حد متوسط قرار دارد. علاوه بر این، نتایج تحلیل های چند متغیره حاکی از آن است که شدت آسیب پذیری، شدت خطر درک شده، خودکارآمدی و دانش محیط زیستی و هنجارهای تجویزی بر مسئولیت پذیری جامعه روستایی، بر مسئولیت پذیری افراد نسبت به محیط زیست تأثیر داشته اند.

واژگان کلیدی: استان مازندران، رفتار مسئولانه، مسئولیت پذیری محیط زیستی، نظریه انگیزه حفاظت.

۱. دانشیار جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه مازندران. s.salehi.umz@gmail.com

این مقاله مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «سنجش وضع مسئولیت پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست و ارتقای آن در استان مازندران» است که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور انجام پذیرفته است.

Assessing the State of Responsibility of Rural Community towards the Environment and its Underpinning Factors (Case study: Mazandaran Province)

Sadegh Salehi¹

Received: 2020-05-14

Accepted: 2021-01-20

Abstract

The issue of social responsibility to protect the environment at all levels and segments of society is an issue that is emphasized in 14th article of the general policy of Iran's environment and the villagers as well most users of environmental resources are no exception. The main research question was how people feel about the environment and what are the responsible behaviors among the villagers?. The research method is cross-sectional analysis and the analysis unit is a rural resident. The statistical population of the study was all residents of rural areas of Mazandaran province in 2019. The type of sampling was multi-stage clustering. The number of sample villages was 30 and the sample size was 384. In this research, the formal validity and validity of the structure have been used. The data required for the research have been collected through the questionnaire tools. The survey data were reviewed and analyzed in SPSS software. The results show that the level of responsible behavior of the environment and the tendency to responsible behavior of the environment was moderate. Multivariate analysis suggests that the severity of the vulnerability, the severity of the perceived risk, the self-efficacy and knowledge of the environment, and the prescriptive norms have affected the responsibility of the rural community for the environment.

Keywords: Mazandaran Province, Responsible Behavior, Environmental Responsibility, Conservation Motivation Theory.

1. Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanity and Social Sciences, Mazandaran University. s.salehi.umz@gmail.com

This article is an excerpt from a research project entitled "Assessing the responsibility of the rural community towards the environment and its promotion in Mazandaran province" which was supported and financed by Iran National Scientific Foundation (INSF).

بیان مسئله

امروزه، رفتارها و برخوردهای متفاوت و ناهمسان و حتی مخرب‌گونه انسان‌ها در قبال محیط‌زیست، سبب شده است تا وضعیت محیط‌زیست در کشور، شرایط نامطلوبی پیدا کند. این رفتارهای نامطلوب محیط‌زیستی را در حوزه‌های مختلفی مثل پسماند، آلودگی آب، مصرف بیش‌ازحد انرژی، تخریب جنگل و ... می‌توان ملاحظه کرد. درحالی‌که اجتماعات توسعه‌یافته، برای حل مشکلات محیط‌زیستی که عمدتاً ناشی از اقدامات توسعه‌ای بوده است، تلاش کردند تا با توسعه مسئولیت اجتماعی در سطح جامعه، رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را پرورش دهند و پیامدهای مشکلات فنی در این زمینه را برطرف کنند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در جامعه ما شناخت کافی و علمی نسبت به وضع موجود رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی و نیز علل و عوامل تأثیرگذار بر آن وجود ندارد. به لحاظ سیاست‌گذاری‌های کلان، مسئله مسئولیت‌پذیری اجتماعی محیط‌زیستی از چنان اهمیتی برخوردار است که در سیاست‌های کلی محیط‌زیست جمهوری اسلامی ایران بر آن تصریح شده است. درواقع، مسئله «مسئولیت‌پذیری اجتماعی ... برای حفظ محیط‌زیست در تمام سطوح و قشرهای جامعه...»، موضوعی است که در بند ۱۴ از بندهای ۱۵گانه سیاست کلی محیط‌زیست جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. این مسئولیت محیط‌زیستی، در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی است که حفظ محیط‌زیست را وظیفه همگانی دانسته و لذا همه مردم می‌بایست در این زمینه اقدام کنند. امروزه مسئله محیط‌زیست، به یک مسئله ملی، همگانی و اجتماعی تبدیل شده و ما در همه‌جا با مشکلات محیط‌زیستی مواجهیم. ازجمله در استان مازندران که یکی از نواحی مهم گردشگری در کشور است. برخلاف تصور عمومی که محیط‌زیست این استان کاملاً سالم است، عملاً در این استان نیز ما با انواع مشکلات محیط‌زیستی مواجهیم (صالحی، ۱۳۹۷). استان مازندران با سه ویژگی عمده کشاورزی، گردشگری و شیلات شناخته می‌شود. جالب اینکه نتایج تحقیقات درزمینه علل و انگیزه سفر گردشگران نشان می‌دهد که سه هدف اصلی گردشگران عبارت است از: کوه، جنگل و دریا (اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری مازندران، ۱۳۹۶)؛ یعنی انگیزه اصلی مردم، مسافران و گردشگران از سفر به مازندران، بهره‌مندی از محیط‌زیست بوده است. اما در عصر حاضر و به‌ویژه پس از ادعاهای گوناگون توسعه که در پی دولت‌های متعدد مطرح شده، فعالیت‌های توسعه‌ای، آثار و پیامدهای نامطلوبی ایجاد کرده است که به تدریج از آن مازندران طبیعی با جنگل‌های انبوه، ساحل زیبا و کوه‌های تفرجگاهی، چندان جدایی باقی نمانده و بیم آن می‌رود تا با استمرار روند فعلی، شاهد تخریب گسترده‌تر محیط‌زیست در حوزه‌های مختلف باشیم. در استان مازندران، ادعای توسعه با شعار صنعتی‌شدن استان مطرح شد و اگرچه در محورهای اصلی سیاست‌گذاری استان، صنعتی‌شدن نیز همواره توجه فزاینده‌ای یافته است، اما این استان نه‌تنها صنعتی نشد، بلکه پیامدهای منفی آن ابعاد

مختلف محیط‌زیست را نشانه رفت؛ درحالی که مهندسان و تکنوکرات‌ها، فعالیت‌های خود را عمدتاً متوجه این نوع اقدامات توسعه‌ای می‌دانند، مقاومت در برابر اقدامات توسعه‌ای و یا مخالفت با آن، چندان میسر نیست. البته طرفداران نوسازی بوم‌شناختی معتقدند که ضرورتی به این تقابل وجود ندارد (مول، ۲۰۰۵؛ ساتن، ۱۳۹۲، گراوس و مائوتز، ۱۳۹۶)، بلکه راهکار اصلی، برقراری نوعی تعامل مناسب بین جامعه و محیط‌زیست است که در پرتو آن، هم مردم از مزایای توسعه برخوردار شوند و هم محیط‌زیست حفظ شود. هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت است از بررسی و سنجش وضع مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. سؤالات اساسی که در این تحقیق مطرح است، عبارتند از:

الف) وضعیت رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در بین روستاییان چگونه است؟

ب) چه عواملی بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی روستاییان مؤثر است؟

پیشینه پژوهش

سجاسی قیداری و عرب‌تیموری (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف تحلیل میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی روستاییان نسبت به پایداری محیط انجام داده‌اند. حجم نمونه پژوهش مذکور را ۲۱۳ خانوار روستایی چهار دهستان شهرستان خواف تشکیل داده‌اند. این محققان، در مطالعه‌شان از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خانوارهای روستایی موردبررسی در برخورداری از مؤلفه‌های ابعاد محیط‌زیستی، اخلاقی و اجتماعی در وضعیت ضعیف، در مؤلفه‌های بُعد اقتصادی در وضعیت متوسط و در مؤلفه‌های بُعد قانونی در وضعیت خوبی قرار دارند. در شرایط موجود، حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک دغدغه اجتماعی و اخلاقی و رفتار جمعی در بین روستاییان شکل نگرفته است. در یکی دیگر از تحقیقات انجام‌شده، شفیعی (۱۳۹۶) به بررسی رفتار محیط‌زیستی شهروندان شهر یزد با روش تحقیق پیمایشی پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که بی‌تفاوتی محیط‌زیستی با نگرش محیط‌زیستی، احساس مسئولیت، دانش محیط‌زیستی، هنجارهای شخصی، احساس اثربخشی، هنجار اجتماعی و عادت به رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری داشته و با افزایش این متغیرها، بی‌تفاوتی محیط‌زیستی کاهش می‌یابد. ضیاء پور و همکاران (۱۳۹۱) تحقیق خود را با عنوان «تحلیل جمعیت‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه» به انجام رساندند. نمونه آماری آن شامل ۳۸۵ نفر از افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در مناطق شهری و روستایی استان کرمانشاه بود. نتایج تحقیق حاکی از این بوده است که رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست در منطقه مورد مطالعه اغلب شامل صرفه‌جویی در

مصرف انرژی و سوخت بوده است. در مجموع، تحقیق مذکور نشان داد که رفتار افراد مورد مطالعه در حدود ۶۷/۴ درصد مسئولانه و ۳۲/۶ درصد غیرمسئولانه بوده است. کریم‌زاده (۱۳۸۹) به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی) شهروندان ارومیه پرداخت. تحقیق مذکور به شیوه پیمایشی و از طریق پرسشنامه انجام شده است. ۳۸۳ نفر از سرپرستان خانوارها مورد پرسش قرار گرفتند. نتایجی که به دست آمده نمایانگر آن است که ارزش محیط‌زیستی با نگرش‌های محیط‌زیستی رابطه مثبت داشت. بین دانش محیط‌زیستی و نگرش محیط‌زیستی رابطه مثبتی وجود داشته و رابطه معنادار و مثبت بین ارزش محیط‌زیستی و رفتار محیط‌زیستی (مصرف انرژی) تأیید شد. همین رابطه میان اعتماد به نهادهای دولتی مرتبط با مصرف انرژی و رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی) دیده شد. به علاوه، دو متغیر دغدغه محیط‌زیستی و دانش محیط‌زیستی رابطه‌شان با رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی) تأیید نشده است. چن^۱ (۲۰۱۷) رفتارهای معنادار محیط‌زیستی در مناطق روستایی چین را بررسی کردند. ۵۰۸ نفر از ساکنان روستایی (ساکن در ۵۱ روستا) در استان نینگیاگ مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحلیلی حاصل از داده‌های پیمایشی نشان داد که رفتارهای معنادار محیط‌زیستی در مناطق روستایی به طور گسترده‌ای انجام می‌شوند. نتایج تحلیل نشان داد که دغدغه و نگرانی برای محیط‌زیست با گرایش به رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی رابطه دارند و افرادی که مسئولیت‌های مهم محیط‌زیستی را به دولت نسبت می‌دهد، احتمال کمتری دارد که رفتارهای با انگیزه‌های محیط‌زیستی داشته باشند. در واقع، افزایش نگرانی مردم نسبت به محیط‌زیست اتکای آنان به دولت به منظور حفاظت از محیط‌زیست را کاهش می‌دهد. چودری^۲ و همکاران (۲۰۱۶) نیز در تحقیقی با عنوان درک شهروندی درباره مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها در مناطق روستایی به بررسی این موضوع در الوسطی عمان پرداخته‌اند. نتایج این پیمایش نشان داد که شهروندان از تأثیرات احتمالی پروژه‌هایی که توسط شرکت‌های گوناگون در آن مناطق اجرا می‌شوند، آگاهی دارند. همچنین شهروندان خواهان آن بودند که شرکت‌ها هم بایستی دغدغه بیشتری از لحاظ مدیریتی و نظارت بر منابع محلی از قبیل تنوع زیستی، ماهیگیری، احشام و کیفیت هوا و در حالت کلی، توجه نظام‌مند به چالش‌های محیط‌زیستی منطقه‌ای داشته باشند. جانمیل^۳ و دنپیون^۴ در سال ۲۰۱۶، مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی تعیین‌کننده‌های مشارکت روستاییان در رفتارهای محیط‌زیست‌گرایانه با تأکید بر رفتار حفاظت اکولوژیکی و رفتار مدیریت ضایعات» انجام دادند. نتایج رگرسیون چندمتغیره این تحقیق نشان داد که مشارکت افراد در رفتار حفاظت اکولوژیکی و مدیریت ضایعات توسط مجموعه متفاوتی از پیش‌بینی‌کننده‌ها، قابل‌پیش‌بینی است. رفتار حفاظت به وسیله خود-

1 . Chen

2. Choudri

3. Janmaimool

4 . Denpaiboon

کارآمدی^۱، هویت مکانی و ارزش‌های محیط‌زیستی درک‌شده پیش‌بینی شد. درحالی‌که رفتار مدیریت ضایعات، به‌وسیله متغیرهایی از قبیل هنجارهای اجتماعی، جنسیت، سن، دانش مربوط به موضوع و خود-کارآمدی پیش‌بینی شد. مهمت‌اوغلو^۲ (۲۰۱۰) عوامل مؤثر بر تمایل به رفتارهای حامی محیط‌زیست در خانه و محیط‌های تفریحی^۳ ۱۰۰۴ نفر در نروژ را بررسی کردند. در این بررسی، از شیوه پیمایش تلفنی ساخت‌یافته بهره گرفته شد. همبستگی میان تمایل و انجام رفتار حامی محیط‌زیست در محیط خانه و محیط تفریحی ۰/۴۵۳ بود. سه مورد از این متغیرها (سن، جهت‌گیری سیاسی و ارزش لذت و هیجان) رابطه منفی و چهار متغیر (سطح سواد، ارزش ارضای شخصی، نگرانی‌های محیط‌زیستی و هنجارهای شخصی)، رابطه مثبتی را با رفتار در محیط خانه نشان دادند. میلن^۳ و دیگران (۲۰۰۰) به بررسی آن دسته از تحقیقات درباره رفتار حفاظتی که در آن یک یا چند مؤلفه نظریه انگیزه حفاظتی را با روش فراتحلیل، مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این محققان نشان داد که تأثیر این مؤلفه‌ها بر روی تمایل و انجام رفتار حفاظتی معنی‌دار بوده است. به‌زعم این محققان عناصر مربوط به ارزیابی مقابله، بیش از متغیرهای مربوط به ارزیابی خطر، در ترویج رفتار حفاظتی تأثیر داشتند.

چارچوب نظری

طی پنجاه سال اخیر و همان‌طور که کولموس و آگینن مطرح کردند، بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان موفق شدند به علل مستقیم و غیرمستقیم کنش محیط‌زیستی پی ببرند. در این زمینه، استرن معتقد است که پیشرفت‌های اخیر نظری و تحقیقاتی، این امیدواری را ایجاد کرد که بتوان شناخت موردنیاز برای تغییر رفتارهای انسانی را به‌منظور انجام رفتارهای محیط‌زیستی به‌دست آورد (استرن^۴، ۲۰۰۰: ۴۰۷). درعین حال، هنوز هم پاسخ به این سؤالات که چرا مردم رفتار مسئولانه محیط‌زیستی انجام می‌دهند و موانع رفتار مسئولانه محیط‌زیستی چیست؟، بی‌نهایت پیچیده است (کولموس^۵ و آگینن^۶، ۲۰۰۲: ۲۴۰).

نظریه مدل خطی دانش-نگرش-رفتار تلاش دارد تا نشان دهد که چگونه نگرش به رفتار ختم می‌شود. همان‌طور که هانگرفورد و ولک می‌نویسند: تفکر سنتی در زمینه آموزش محیط‌زیستی این بوده است که ما می‌توانیم با آگاه‌تر ساختن افراد نسبت به محیط‌زیست و مسائل مرتبط، رفتارشان را تغییر دهیم. در این مدل، پیش‌فرض اساسی آن است که دانش، تغییرات موردانتظار در نگرش را ایجاد می‌کند

1 Self-Efficacy

2 Mehmetoglu

3 Milne

4 Stern

5 Kollmuss

6 Agyeman

و این تغییر هم به‌نوبه خود، باعث تغییر رفتار افراد در جهت حمایت از محیط‌زیست می‌شود. اما باید توجه داشت که نگرش، همواره به رفتار ختم نمی‌شود. همان‌طور که کولموس و آگین مطرح کردند، بر این نوع مدل‌ها، خیلی زود و از اوایل دهه ۱۹۷۰، خط بطلان کشیده شد. تحقیقات مختلف نشان دادند که افزایش دانش و آگاهی، لزوماً، به رفتار مسئولانه محیط‌زیستی منجر نمی‌شود (همان: ۲۴۱). بلیک (۱۹۹۹)، به‌خوبی موانعی که باعث ایجاد شکاف بین نگرش و رفتار می‌شوند را بیان کرده است. تحقیقات کمی و پیمایشی متعددی که در زمینه رفتارهای محیط‌زیستی انجام شدند، نشان دادند که نوعی شکاف بین نگرش و رفتار وجود دارد. دلایل متنوعی برای این شکاف بیان شد.

آیزن و فیשבاین نیز مسئله شکاف ناشی از قیاس اندازه‌گیری در نظریه کنش منطقی^۱ و نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده^۲ را بررسی کرده‌اند (همان: ۲۴۲) در ارتباط با نظریه کنش عقلانی یا عمل منطقی، آیزن و فیשבاین معتقد بودند که افراد اساساً منطقی‌اند؛ به این معنی که به‌صورت نظام‌مند از اطلاعات در دسترس خود استفاده می‌کنند و از طریق انگیزه‌های ناآگاهانه یا تمایلات بسیار قدرتمند، کنترل نمی‌شوند، هرچند نمی‌توان گفت رفتار آن‌ها بدون اندیشه است. به‌زعم آنان، نگرش‌ها به‌طور مستقیم رفتار را تعیین نمی‌کنند، بلکه ابتدا بر تمایلات رفتاری تأثیر می‌گذارند و آن‌ها هم به‌نوبه خود، کنش‌های افراد را شکل می‌دهند (کلموس و آگین، ۲۰۰۲: ۲۴۲). نظریه کنش منطقی به‌منزله پاسخی به نقد نظریه انتخاب منطقی^۳، مسلماً دارای این مزیت است که پیشامدهای ارجحیت یا نگرش را به‌صراحت بیان می‌کند. از همه مهم‌تر، این نظریه تأثیر اجتماعی بر رفتار شخصی را که در این مدل به شکل هنجار ذهنی مورد توجه قرار گرفته است، می‌پذیرد. با این حال، مدل دارای محدودیت‌هایی برای بررسی و تفکر شناختی است و در حقیقت، نقش عادت، تأثیر عوامل عاطفی یا اخلاقی را به‌طور مشخص بررسی نکرده است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۷۵).

از جمله دیگر نظریه‌هایی که برای تبیین رفتار مسئولانه محیط‌زیستی مطرح شد، مدل رفتار مسئولانه محیط‌زیستی^۴ هاینس و همکارانش است که در سال ۱۹۸۶ آن را ارائه دادند. همان‌طور که کولموس و آگین مطرح کردند این مدل مبتنی بر نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده آیزن و فیשבاین بود (کلموس و آگین، ۲۰۰۲: ۲۴۳). این محققان با انجام فراتحلیل بر روی ۱۲۸ مطالعه تحقیقاتی در مورد رفتار مسئولانه محیط‌زیستی، دریافته‌اند که عوامل مؤثر بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی عبارتند از: آگاهی از مسائل محیط‌زیستی، دانش در مورد راهبردهای کنش، نگرش، تعهد ارتباطی و نهایتاً، احساس مسئولیت فرد. به نظر کلموس و آگین، اگرچه این چارچوب، پیچیده‌تر از چارچوب آیزن و فیשבاین بود که در

1 Rational action

2 Planned behaviour

3 Rational choice

4 Environmental responsible behaviour model

سال ۱۹۸۰ ارائه دادند، ولی عوامل تعیین شده، به اندازه کافی رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را تبیین نمی‌کنند (همان).

نظریه فعال‌سازی هنجار شوارتز به دلیل هدف آن در زمینه توضیح رفتارهای سازگار با اجتماع، به طور کاملاً مشخص و دقیق، در سطح وسیعی در تلاش‌های ناظر به شناخت و پیش‌بینی رفتارهای سازگار با محیط‌زیست به کار رفته است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۸۴). فرض اساسی این نظریه آن است که هنجارهای شخصی، تنها عوامل تعیین‌کننده مستقیم رفتارهای سازگار با اجتماع هستند (همان: ۸۳). استرن و همکاران تلاش کردند تا در نظریه ارزش-باور-هنجار، به صراحت مدل فعال‌سازی شوارتز را به نظریه ارزشی بوم‌شناختی مرتبط کنند. بنا به این نظریه، در مدل فعال‌سازی هنجار، پذیرش الگوی جدید محیط‌زیستی، رسماً بر آگاهی درباره پیامدها مقدم است (همان، ۸۵).

نظریه ارزش-باور-هنجار^۱ که از سوی پاول استرن^۲ توسعه یافت، مبتنی بر این اصل است که نگرش‌های اجتماعی و هنجارهای اخلاقی شخصی، پیش‌بینی‌کننده رفتار حامی محیط‌زیست هستند (جکسون^۳، ۲۰۰۵). نظریه ارزش-باور-هنجار، مبتنی بر زنجیره علی از پنج متغیر است که تعیین‌کننده رفتار فرد هستند. همان‌طور که قبلاً مطرح شد این متغیرها عبارتند از: ارزش‌های شخصی، جهان‌بینی بوم‌شناختی، پیامدهای منفی برای مسائل ارزشمند، توانایی ادراک‌شده در مورد کاهش تهدید و هنجارهای شخصی حامی محیط‌زیست (استرن، ۲۰۰۰: ۴۱۲).

در حالی که بسیاری از نظریه‌ها، ارتباط بین نگرش و رفتار را پیش‌فرض خود قرار دادند، بلیک، از شکاف نگرش-رفتار به عنوان «شکاف ارزش-کنش»، نام می‌برد و معتقد است سه مانع در این خصوص وجود دارد: فردیت، مسئولیت‌پذیری و توانایی انجام عمل. در ارتباط با مانع فردیت، بلیک معتقد است موانع فردی به‌ویژه در مورد افرادی نافذ است که دغدغه محیط‌زیستی قوی‌ای ندارند. در ارتباط با عامل دوم، یعنی مسئولیت‌پذیری، بلیک معتقد است که افرادی که رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در پیش نمی‌گیرند، احساس می‌کنند که نمی‌توانند بر آن موقعیت تأثیر بگذارند یا نباید مسئولیت آن را بر عهده بگیرند. در ارتباط با عامل سوم، بلیک محدودیت‌های اجتماعی و نهادی را مطرح می‌کند که مانع از انجام رفتار مسئولانه محیط‌زیستی توسط فرد می‌شود، صرف‌نظر از اینکه نگرش یا انگیزه فرد چه باشد (بلیک، ۱۹۹۹). کلموس و آگین در مورد مدلی که بلیک ارائه داده است می‌گویند اگرچه مدل او به خاطر ترکیب عوامل بیرونی و درونی بسیار مفید است و هر دو را نیز با جزئیات بیان می‌کند، اما او نه به عوامل اجتماعی نظیر فشارهای خانوادگی و هنجارهای فرهنگی توجه می‌کند و نه به بررسی عمیق‌تر عوامل مؤثر روان‌شناختی می‌پردازد (کلموس و آگین، ۲۰۰۲: ۲۴۹-۲۴۸).

1 Vlaue-belif-norm

2 Stern

3 Jackson

مدل انگیزه، فرصت، توانایی^۱، نسخه ساده‌شده‌ای است از نظریه کنش منطقی. با وجود این، اولاندر و توگرسن (۱۹۹۵) چند احتمال دیگر را نیز در اینجا مطرح کردند، از جمله: استفاده از قسمت انگیزشی مدل تری اندیس یا قسمت نیت در مدل فعال‌سازی هنجار شوارتز. در اینجا، به نظر می‌رسد مفهوم «توانایی»، دو عنصر عادت و آگاهی در خصوص وظیفه را در مدل تلفیق کرده است. این تلفیق از حمایت طیف وسیعی از منابع برخوردار است، از جمله: پژوهش‌های قبلی در خصوص رفتارهای جداسازی زباله‌ها و بازیافت. همچنین کاملاً آشکار است که آگاهی در خصوص وظیفه، به‌ویژه در ارتباط با رویه‌های جدید مربوط به رفتار سازگار با محیط‌زیست نظیر جداسازی و دسته‌بندی مناسب مواد قابل بازیافت، موضوعی مهم و قابل بررسی است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶). در اینجا، مؤلفه فرصت در مدل انگیزش-فرصت-توانایی، با مفهوم شرایط تسهیل‌کننده تری اندیس^۲ و نیز مفهوم شرایط بیرونی استرن ارتباط دارد. هرچند اولاندر و توگرسن ترجیح می‌دهند فرصت را «پیش‌شرط عینی رفتار» بدانند، این جنبه از مدل، شباهت‌هایی با مفهوم «کنترل رفتاری ادراک‌شده» در نظریه آیزن دارد.

تری اندیس نیز از جمله صاحب‌نظرانی است که برای تبیین رفتار، مدل منسجمی را تحت عنوان «رفتار بین شخصی^۳» ارائه و در این مدل، به نقش عوامل اجتماعی و احساسات در شکل‌دهی به نیت رفتار توجه کرد. او همچنین بر اهمیت رفتار گذشته در شکل‌دهی به رفتار حال توجه داشته است. در عین حال، او به مفهوم عادت در شکل‌دهی به رفتار اشاره می‌کند که مستقیماً بر رفتار تأثیر دارد. در واقع، او علاوه بر بخش آگاهانه رفتار بر بخش ناخودآگاه رفتار هم تأکید دارد. در مدل تری اندیس، فرد نه کاملاً با تأمل و نه کاملاً خودکار رفتار می‌کند. فرد نه کاملاً مستقل و نه کاملاً تحت تأثیر اجتماع است. رفتار تحت تأثیر باورهای اخلاقی شکل می‌گیرد. اما تأثیر این‌ها به وسیله محرک‌های احساسی و محدودیت‌های شناختی تعدیل می‌شود (تری اندیس، ۱۹۷۷: ۴۵). به‌طور کلی، مدل تری اندیس بسیار کمتر از کار آیزن-فیشباین یا حتی مدل فعال‌سازی هنجار شوارتز مورد استفاده قرار گرفته است. این موضوع به‌ویژه در ارتباط با رفتار سازگار با محیط‌زیست صادق است. احتمالاً این مسئله تا حدی به دلیل پیچیدگی بیشتر، یا به گفته آیزن و فیشباین (۱۹۸۰) نبود ایجاز در مدل است.

در بین دیگر صاحب‌نظران، فیتکائو و کسل نیز با استفاده از عوامل جامعه‌شناختی و نیز روان‌شناختی به تبیین رفتار مسئولانه محیط‌زیستی یا فقدان آن پرداختند. در مدل بوم‌شناختی آن‌ها، پنج متغیر وجود دارد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر رفتار مسئولانه محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارد. این متغیرها مستقل از یکدیگر هستند و می‌توانند تحت تأثیر و تغییر قرار بگیرند و عبارتند از: نگرش و ارزش، امکان انجام رفتار مسئولانه، انگیزه رفتاری، بازخورد ادراکی درباره رفتار مسئولانه محیط‌زیستی و

1 Motivation, opportunity, ability model

2 Thriandis

3 Inter-personal behaviour

نهایتاً، دانش (کلموس و آگین، ۲۰۰۲: ۲۴۶). بلیک معتقد است که غالب مدل‌های نظری رفتار مسئولانه محیط‌زیستی (از جمله مدل فیتکائو و کسل)، دارای محدودیت هستند، چراکه محدودیت‌های فردی، اجتماعی و نهادی را در نظر نمی‌گیرند و فرض می‌کنند که انسان‌ها منطقی بوده و از اطلاعات موجود به صورت نظام‌مند استفاده می‌کنند (بلیک، ۱۹۹۹).

آخرین نظریه مطرح شده، نظریه انگیزه حفاظت به عنوان یک مدل نظری است که در صدد تبیین عوامل مؤثر بر فرایندهای مربوط به تصمیمات افرادی است که رفتارهایی را در پیش می‌گیرند یا برعکس، رفتارهایی را انجام نمی‌دهند تا از آن‌ها در برابر خطرات بالقوه محافظت شود (کلوب^۱، ۲۰۱۲: ۶). پنج جزء اصلی در نظریه انگیزه حفاظت راجرز مطرح است که عبارتند از: شدت (میزان تماس با مخاطره)، آسیب‌پذیری (قضاوت فرد از نتیجه و پیامد این مسئله)، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی (آگاهی)، هزینه‌های مسئولیت (هزینه‌های مالی، روانی و جانی). علاوه بر متغیرهای مذکور، به نظر می‌رسد مشارکت مدنی و نیز پارادایم نوین محیط‌زیستی در رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و لذا، برخی از محققان این متغیرها را نیز در چارچوب نظری تحقیق خود وارد کردند. در نظریه انگیزه حفاظت هرگاه شخص معتقد باشد که مسئله‌ای خطرناک است و ممکن است اتفاقی بیفتد، در آن صورت، رفتار محافظتی را در پیش می‌گیرد. پس، نظریه انگیزه حفاظت معمولاً با توسعه یک قصد برای اتخاذ یک رفتار محافظتی ارزیابی می‌شود (راینر^۲ و کریستینسن^۳، ۲۰۱۷: ۴). وجود منابع اطلاعاتی در مدل نظریه انگیزه حفاظت، مبنایی را برای فرد ایجاد می‌کند تا تعیین کند که یک تهدید بالقوه و ارزش بالقوه آن پاسخ‌های حفاظتی به آن تهدید چقدر است. نظریه انگیزه حفاظت کاربرد گسترده‌تری از جمله خطرات طبیعی و تکنولوژیکی و تهدیدات محیط‌زیستی دارد و می‌تواند این مسئله را تبیین کند که چرا مردم اقدامات محیط‌زیستی را انجام نمی‌دهند و یا چگونه به ایجاد انگیزه و تسهیل رفتارهای محیط‌زیستی کمک می‌کنند (همان).

لازم به یادآوری است که نظریه‌های متفاوتی در اینجا معرفی شدند که هر یک به نحوی در صدد تبیین رفتارهای مختلف محیط‌زیستی بودند و همان‌طور که استرن می‌گوید، با وجود پیشرفت‌های علمی و توسعه نظریه‌های علمی و به موازات افزایش پیچیدگی نظری مدل‌ها، کاربردپذیری تجربی آن‌ها کاهش می‌یابد. طراحی، آزمایش و تأیید مدلی پیچیده، عالمانه، چند متغیره، اجتماعی و روان‌شناختی به همراه بازخورد آن، کار تجربی هولناکی است، چنان‌که تاکنون این کار انجام نشده است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). بنابراین، این مدل‌های بسیار پیچیده و عالمانه به عنوان مدل‌های نظری در خصوص رفتار مسئولانه محیط‌زیستی، تصویری نسبتاً کامل از عوامل شکل‌دهنده و محدودکننده انتخاب رفتار مسئولانه در اختیار

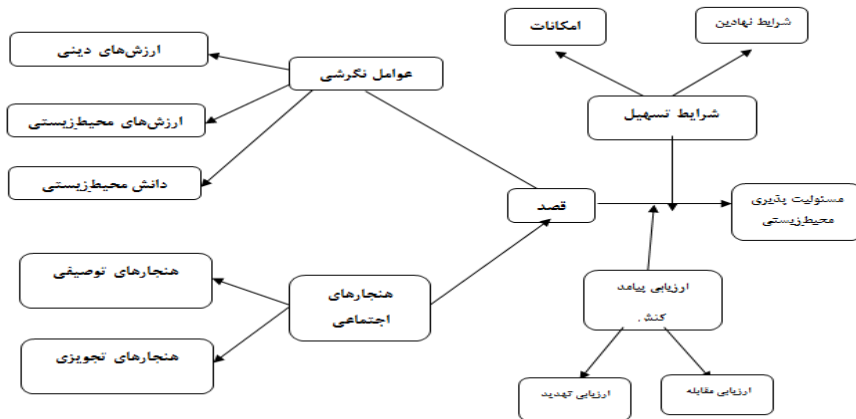
1 Clubb

2 Rainear

3 Christensen

سیاست‌گذاران قرار می‌دهند. آن‌ها همچنین به بعضی از نواحی کلیدی اشاره می‌کنند که برای ترویج تغییر رفتاری سازگار با محیط‌زیست باید آن‌ها را بیشتر مورد بررسی قرار داد. در هر یک از این نظریه‌ها و مدل‌ها، تلاش محققان بر این بوده است تا برای تبیین‌پذیری بیشتر رفتار، مدل‌های پیچیده‌تری را طراحی کنند. چراکه طبعاً مدل‌های ساده، تنها به بخشی از دلایل رفتاری توجه نشان داده‌اند. بر همین اساس، مدل‌های رفتاری به تدریج پیچیده و چند سطحی شده‌اند تا به متغیرها از همه سطوح توجه کنند. یکی از مشکلات پیش روی مرتبط با این مدل‌های رفتاری این بوده است که به دلیل انتزاعی بودن مدل‌ها، آزمون‌پذیری آن‌ها با مشکلاتی همراه بوده است. به‌طورکلی و همان‌گونه که بررسی اجمالی نظریه‌های تأثیرگذار بر رفتار محیط‌زیستی نشان می‌دهد، این نظریه‌ها با تأکید بر عوامل فردی و روان‌شناختی آغاز شده و درنهایت به عوامل اجتماعی و نهادی سوق پیدا کردند. در واقع، مدل‌های جدیدتر از سطوح شناختی، نگرشی، ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصی تا سطوح اجتماعی، زمینه‌ای، ساختاری و نهادی را در بر می‌گیرند.

در اینجا، باتوجه به ضرورت ارائه تبیین کامل‌تر از رفتار مسئولانه محیط‌زیستی و بر اساس نظریه‌ها و یافته‌های تحقیقات پیشین، نوعی مدل ترکیبی ارائه می‌شود که در آن عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای محیط‌زیستی در سطوح چندگانه مورد توجه قرار گرفته‌اند.



شکل ۱. مدل نظری چندعاملی-چندسطحی مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

روش‌شناسی پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از روش پیمایش و برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه استفاده شد. باتوجه به گستردگی جغرافیایی استان مازندران که از غرب در گلوگاه تا شرق در رامسر، وسعتی معادل ۲۳۷۵۶/۴ کیلومتر مربع و حدود ۱/۴۶ درصد از مساحت کشور را در بر می‌گیرد و در نتیجه، محدودیت منابع مالی، برای انجام تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد و بدین منظور، فعالیت‌های زیر انجام شد.

در مرحله اول، شهرستان‌های استان مازندران باتوجه به ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی و مکانی، در قالب سه گروه دسته‌بندی شدند و هرکدام به صورت یک خوشه در نظر گرفته شدند:

الف. خوشه شرق (مشمتمل بر شهرستان‌های ساری، نکاء، بهشهر، گلوگاه و میانرود)؛

ب. خوشه مرکزی (مشمتمل بر شهرستان‌های محمودآباد، فریدون‌کنار، آمل، بابل، سیمرغ،

سوادکوه شمالی، قائم‌شهر، سوادکوه، بابلسر و جویبار)؛

ج. خوشه غرب (مشمتمل بر شهرستان‌های تنکابن، رامسر، نور، نوشهر، عباس‌آباد، چالوس و

کلاردشت)؛

در مرحله دوم، از هر خوشه باتوجه به یکسان بودن نمونه‌های خوشه، سه شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند:

از خوشه غرب، شهرستان‌های نور و چالوس انتخاب شدند؛

از خوشه مرکز، شهرستان‌های آمل و قائمشهر انتخاب شدند؛

از خوشه شرق هم شهرستان‌های ساری و گلوگاه انتخاب شدند؛

در مرحله سوم، از هر شهرستان، دو بخش به عنوان نمونه به صورت تصادفی انتخاب شدند که عبارتند از:

بخش چمستان از شهرستان نور و بخش مرزن‌آباد از شهرستان چالوس؛

بخش دابودشت از شهرستان آمل و بخش نوکنده کا از شهرستان قائمشهر؛

بخش چهاردانگه از شهرستان ساری و بخش کلباد از گلوگاه؛

در مرحله چهارم، یک دهستان از هر بخش (منتخب در مرحله سوم) به صورت تصادفی انتخاب شد که عبارتند از:

دهستان لاویج از بخش چمستان (نور) و دهستان بیرون بشم از بخش مرزن‌آباد (چالوس)؛

دهستان دابوی میانی از بخش دابودشت (آمل) و دهستان نوکنده کا از بخش مرکزی (قائم‌شهر)؛

دهستان پشتکوه از بخش چهاردانگه (ساری) و دهستان کلباد غربی از بخش کلباد (گلوگاه)؛

در مرحله پنجم، از هر دهستان پنج روستا به صورت تصادفی انتخاب شدند. به این ترتیب، ۳۰

روستا به عنوان نمونه در این مرحله انتخاب شدند که در واقع، تعداد روستاهای نمونه‌های مورد مطالعه در

تحقیق را تشکیل دادند. در مرحله ششم، خانوارهای مورد نظر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تعیین تعداد نمونه از فرمول نمونه‌گیری کوکران استفاده شده است که با توجه به اینکه خوشه‌بندی اول (سه منطقه شرق، مرکزی، غرب) را ملاک قرار دادیم و در هر خوشه بیش از یکصد هزار نفر سکونت دارند، حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ تعیین شدند. باین حال، برای اطمینان بیشتر و رفع نواقص احتمالی در تکمیل پرسشنامه‌ها، تعداد نمونه به ۵۰۰ مورد افزایش یافت. با توجه به اینکه در این تحقیق، سه خوشه وجود دارد، این تعداد نمونه، بین سه خوشه تقسیم شد. افراد نمونه نیز به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ضمناً، نمونه تحقیق در یک خانوار، اولین نفری بوده است که درب حیاط یا منزل را باز کرده و بالای ۱۸ سال داشته است و در غیر این صورت، از او خواسته شد تا فرد بعدی را صدا بزند و جایگزین شود. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از دو دسته آماره‌های مقتضی استفاده شد.

اعتبار و روایی تحقیق

اعتبار پرسشنامه حاضر از طریق اعتبار صوری محتوایی به‌دست آمده است. بدین صورت که نظر تعدادی از صاحب‌نظران علوم محیطی، علوم اجتماعی و آموزش محیط‌زیست خواسته شد و اصلاحات لازم اعمال شد. برای سنجش روایی از ضریب آلفای کرونباخ (همسانی درونی گویه‌ها) استفاده شد و جدول زیر نتایج آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضریب آلفای متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
هنجارهای اجتماعی	۹	۰/۶۵
عوامل نگرشی	۱۵	۰/۷۹
شرایط تسهیل‌کننده	۹	۰/۷۳
ارزیابی پیامد کنش	۳۰	۰/۸۴
رفتار مسئولانه محیط‌زیستی	۹	۰/۷۸

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که میزان آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای تحقیق در سطح

بالایی قرار دارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق حاضر در بخش توصیفی نشان می‌دهد که ۳۷/۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۳۱ ساله واقع شده‌اند و ۴/۳ درصد در گروه سنی ۴۶ به بالا قرار دارند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۹/۴۳ سال است. از ۵۳۶ نفر مورد مطالعه، ۲۴۵ نفر یعنی ۴۵/۷ درصد مرد و ۲۷۱ نفر از آن‌ها یعنی ۵۰/۶ درصد زن هستند. ۱۱۹ نفر از پاسخگویان بین ۱۱ تا ۲۰ سال در روستای مورد بررسی سکونت داشتند. یعنی تقریباً ۳۰ درصد و بعد از آن، ۱۰۶ نفر یا ۲۶/۴ درصد پاسخگویان نیز بین ۲۱ تا ۳۰ سال ساکن روستا بودند. ۱۳۵ نفر (۲۵/۲ درصد) نیز پاسخی به این سؤال ندادند. ۱۸۰ نفر از پاسخگویان (۳۶/۳ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی به بالا هستند و ۱۳۲ نفر یعنی ۲۶/۶ درصد دارای مدرک دیپلم هستند. از این تعداد ۴۰ نفر (۷/۵ درصد) نیز تحصیلات خود را مشخص نکرده‌اند.

ابتدا با انجام همبستگی جزئی، مشخص شد کدام متغیر مستقل دقیق‌ترین پیش‌بین متغیر وابسته است. جدول زیر همبستگی جزئی بین متغیرهای مستقل و رفتارهای مسئولانه را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی جزئی بین متغیرهای پیش‌بینی کننده و مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

دقیق‌ترین متغیرهای پیش‌بین	ضریب همبستگی جزئی	سطح معنی‌داری
هنجارهای تجویزی	-۰/۱۹	۰/۰۰۰
ارزش‌های محیط‌زیستی	۰/۱۳	۰/۰۰۷
شدت خطر درک‌شده	۰/۲۱	۰/۰۰۰
شدت آسیب‌پذیری درک‌شده	۰/۱۶	۰/۰۰۰
خودکارآمدی	۰/۲۴	۰/۰۰۰
اثربخشی پاسخ	۰/۱۵	۰/۰۰۲

مطابق نتایج آماری، عوامل نگرشی (ارزش‌های محیط‌زیستی و باورهای دینی)، عوامل ساختاری (هنجارهای توصیفی، امکانات و شرایط نهادین) و در ارزیابی مقابله (هزینه‌های پاسخ یا اقدام) با مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست همبستگی نداشتند. در بین مجموعه عواملی که همبستگی معنی‌دار داشتند، خودکارآمدی بیشترین رابطه را با رفتار مسئولانه محیط‌زیستی داشته است.

رگرسیون جزئی

برای شناسایی متغیرهایی که بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیر دارند از تحلیل رگرسیون جزئی استفاده شده است. جدول زیر مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی ساده مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی						متغیر وابسته
دوربین واتسون	سطح معنی‌داری (Sig)	مقدار ثابت	ضریب بتا (β)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب همبستگی (R)	متغیرهای مستقل
۱/۵۴	۰/۰۰۰	۲۱/۰۵	۰/۳۶۳	۰/۱۳	۰/۳۶	رفتار محیط‌زیستی
۱/۳۶	۰/۰۰۰	۲۸/۶۵	۰/۱۰۳	۰/۰۰۸	۰/۱۰	هنجار توصیفی
۱/۴۱	۰/۰۰۰	۳۹/۶۳	۰/۲۸	۰/۰۷۶	۰/۲۸	هنجار تجویزی
۱/۴۹	۰/۰۱	۲۸/۵۲	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۱۱	باورهای دینی
۱/۴۶	۰/۰۰۳	۲۷/۳۵	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۱۴	ارزش محیط‌زیستی
۱/۳۹	۰/۰۰۲	۲۴/۶۱	۰/۱۴	۰/۰۱۹	۰/۱۴	دانش محیط‌زیستی
۱/۴۶	۰/۱۵	۳۲/۹۸	۰/۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۶	امکانات
۱/۴۴	۰/۹۱	۳۱/۸۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	شرایط نهادین
۱/۵۵	۰/۰۰۰	۲۲/۰۰	۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۳۳	شدت آسیب
۱/۴۹	۰/۰۰۰	۲۴/۱۰	۰/۲۹	۰/۰۸۳	۰/۲۹	شدت خطر
۱/۵۱	۰/۰۰۰	۲۳/۵۶	۰/۲۷	۰/۰۷۶	۰/۲۷	خودکارآمدی
۱/۵۸	۰/۰۰۰	۲۳/۰۴	۰/۳۰	۰/۰۸۸	۰/۳۰	اثربخشی
۱/۴۲	۰/۲۷	۳۲/۸۵	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱	هزینه پاسخ
۱/۴۲	۰/۰۹	۳۰/۳۶	۰/۰۸۰	۰/۰۰۴	۰/۰۸۰	سن
۱/۵۵	۰/۰۲۲	۳۴/۰۴	-۰/۱۱	۰/۰۱۰	۰/۱۱	تعداد اعضای خانواده
۱/۴۱	۰/۱۴	۳۱/۲۸	۰/۰۷۶	۰/۰۰۳	۰/۰۷۶	مدت اقامت در روستا
۱/۴۶	۰/۱۶	۳۲/۷۹	-۰/۰۶۷	۰/۰۰۲	۰/۰۶۷	سطح درآمد

نتایج اطلاعات فوق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل توانستند تغییرات مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست را پیش‌بینی کنند. در میان این متغیرها شدت آسیب‌پذیری، اثربخشی پاسخ و شدت خطر درک‌شده به ترتیب مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده تغییرات مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست هستند. اکنون با حذف متغیرهایی که تأثیرگذاری ناچیز (مقادیر بتا) از خود نشان دادند، در اینجا از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد تا دقیق‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده شناسایی شوند. جدول زیر تحلیل رگرسیون مدل گام‌به‌گام را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مدل رگرسیونی گام‌به‌گام متغیرهای مستقل برای تبیین مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی

مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری F	مقدار ثابت آزمون
گام‌به‌گام	۰/۴۰	۰/۱۶	۲۹/۷۰	۰/۰۰۰	۲۶/۰۷

باتوجه به ضریب بتا، متغیرهای هنجارهای تجویزی، شدت آسیب پذیری درک شده، شدت خطر درک شده، خودکارآمدی، اثربخشی پاسخ وارد تحلیل شدند. ضریب همبستگی مدل گام به گام رگرسیون متغیرهای مستقل برای تبیین مسئولیت پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست ۰/۴۰ است. مطابق با ضریب تعیین، ۱۶ درصد تغییرات رفتارهای مسئولانه محیط زیستی با ۳ متغیر قابل تبیین است. باتوجه به نسبت F مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است. در صورت کنترل تأثیرات متغیرهای مستقل، مقدار پایه مسئولیت پذیری محیط زیستی با ۲۶/۰۷ برابر است. جدول ۵، نشان دهنده ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین کننده مسئولیت پذیری است.

جدول ۵. ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین کننده مسئولیت پذیری محیط زیستی

متغیرها	ضریب بتا (β)	مقدار آزمون T	سطح معنی داری	ضریب تولرانس	VIF
مقدار ثابت	-	۱۱/۰۸	۰/۰۰۰	-	
شدت خطر درک شده	۰/۲۱	۴/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۸۲	۱/۲۱
هنجارهای تجویزی	-۰/۱۸	-۴/۰۷	۰/۰۰۰	۰/۹۰	۱/۱۰
خودکارآمدی	۰/۱۵	۳/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۸۴	۱/۱۸

همان طور که جدول فوق نشان می دهد شدت خطر درک شده، اولین متغیری است که بیشترین تأثیر را بر مسئولیت پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست دارد و خودکارآمدی کمترین تأثیر را بر این متغیر داشته است. مقادیر آزمون T نیز بیشتر از ۲ است که نشان دهنده تناسب مدل برای آزمون است. مقادیر تولرانس و VIF نیز تأیید کننده کمترین مقدار هم خطی بین این متغیرهاست.

بحث و نتیجه گیری

همان طور که قبلاً مطرح شد هدف از انجام این مطالعه، سنجش وضع مسئولیت پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط زیست و ارتقای آن در بین روستاییان استان مازندران بوده است. برای تعیین این وضعیت و نیز شناسایی عوامل تأثیرگذار بر مسئولیت پذیری افراد نسبت به محیط زیست، مدل نظری تحقیق ترسیم شد و میزان تأثیر عوامل مختلف مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا، نتایج و یافته های این تحقیق، با نتایج تحقیقات پیشین مورد مقایسه قرار می گیرد.

الف) نتایج و یافته های تحقیق حاضر نشان داد که میزان رفتار مسئولانه محیط زیستی در بین روستاییان تقریباً ۴۵ درصد (در حد متوسط) است. این نتایج، بیانگر آن است که میانگین (مشخصه

گرایش به مرکز) پاسخگویان، متوسط یعنی ۳/۲۵ از ۵ است و انحراف معیار (مشخصه پراکندگی) ۰/۹۳ است. دی برنگور و همکاران در سال ۲۰۰۵، رفتارها و نگرش‌های محیط‌زیستی جامعه شهری و روستایی را بررسی کردند و نتایج این مقایسه نشان داد که در مقیاس‌های نگرشی و قصد رفتاری، کسانی که در شهر زندگی می‌کنند گرایش‌های محیط‌زیست‌دوستانه کمتری نشان می‌دهند. در مقابل، روستاییان مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی بالاتری نشان دادند. همچنین، ضیاءپور و همکاران (۱۳۹۱)، در کرمانشاه دریافتند که رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست در منطقه مورد مطالعه اغلب شامل صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سوخت بوده است.

ب) هنجارهای اجتماعی در این تحقیق به دو بُعد هنجارهای توصیفی و هنجارهای تجویزی تقسیم شده‌اند که یافته‌های تحقیق نشان داد هنجارهای تجویزی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیر منفی داشته است و هنجارهای توصیفی تأثیری بر آن نداشته است. در بررسی‌های انجام‌شده از سوی شفیع (۱۳۹۶) در یزد، متنی‌زاده و زمانی (۱۳۹۱) در شهر شیراز و مهمت‌اوغلو (۲۰۱۰) در ترکیه، هنجارهای اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیر داشتند، اما با نتایج به دست آمده در تحقیق انجام‌شده توسط جانمیل و دنپیون در سال ۲۰۱۶ هم‌سویی داشت.

ج) مطابق نتایج و یافته‌های تحقیق، تنها دانش محیط‌زیستی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیر داشته است که با در نظر گرفتن سطح تحصیلات نمونه مورد بررسی قابل پیش‌بینی است. وضعیت سواد و تحصیلات در روستاهای مورد بررسی در سطح مطلوبی قرار داشته است (۱۸۶ نفر یا ۳۶/۳ درصد دارای تحصیلات عالی فوق‌دیپلم و لیسانس هستند). شفیع (۱۳۹۶) در یزد دریافت که دانش محیط‌زیستی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیر داشته است. درحالی‌که کریم‌زاده (۱۳۸۹) در بررسی رفتار مصرف انرژی دریافت که دانش محیط‌زیستی با رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی) همبستگی نداشت. همچنین، جانمیل و دنپیون (۲۰۱۶) در تایلند و نعیمی و همکاران (۱۳۹۷) در استان خوزستان دریافتند که ارزش‌های متصور محیط‌زیستی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست روستاییان تأثیر داشته است، درحالی‌که در بررسی حاضر ارزش‌های محیط‌زیستی بدون تأثیر بود. علاوه بر این، باورهای دینی به‌عنوان یک عامل نگرشی بر مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست تأثیری نداشت، درحالی‌که در بررسی نمونه (۲۰۱۱) مصرف‌کننده‌های مذهبی‌تر، حمایت بیشتری از فعالیت‌های بازیافتی داشتند. دین‌داری نیز تمایل مصرف‌کنندگان برای خرید و استفاده از محصولات سازگار با محیط‌زیست بی‌خطر را تحت تأثیر قرار داده بود.

د) بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره، شرایط نهادین و امکانات تأثیری بر

مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست نداشتند. تاکاهاشی و سلفا در سال ۲۰۱۴ مطالعه‌ای با عنوان پیش‌بینی کننده‌های رفتار محیط‌زیست‌گرایانه در اجتماعات روستایی آمریکا دریافتند که رضایت اجتماعی (محل‌ای) که شامل رضایت از خدمات و رهبری محل‌ای است، پیش‌بینی کننده معنادار رفتارهای محیط‌زیستی نبودند. چن (۲۰۱۷) دریافت که افرادی که مسئولیت‌های مهم محیط‌زیستی را به دولت نسبت می‌دهد، احتمال کمتری دارد که رفتارهای با انگیزه‌های محیط‌زیستی داشته باشند. در بررسی کریم زاده (۱۳۸۹) میان اعتماد به نهادهای دولتی مرتبط با مصرف انرژی و رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی) رابطه مثبت دیده شد. سجاسی قیداری و عرب‌تیموری (۱۳۹۷) توجه به محیط‌زیست‌های روستایی را با شرایط نهادین و آگاهی از قوانین مرتبط دانسته است.

ه) نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که عوامل تعریف‌شده در ارزیابی تهدید و ارزیابی مقابله در بروز رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی تأثیرگذار بوده‌اند. این عوامل عبارت بودند از خودکارآمدی، درک آسیب‌پذیری و شدت خطر درک‌شده. میلن و دیگران (۲۰۰۰) در فراتحلیلی که بر روی تحقیقات مربوط به رفتارهای محیط‌زیستی انجام دادند دریافتند که عناصر مربوط به ارزیابی مقابله، بیش از متغیرهای مربوط به ارزیابی تهدید، در ترویج رفتار حفاظتی تأثیر داشتند. درحالی‌که در بررسی حاضر عناصر ارزیابی تهدید (شدت خطر درک‌شده و شدت آسیب‌پذیری درک‌شده) بیش از عناصر ارزیابی مقابله (خودکارآمدی) بر روی مسئله بازیافت و حفاظت از منابع طبیعی تأثیر داشتند. جانمیمول و دنسبون (۲۰۱۶) دریافتند که رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را می‌توان با خودکارآمدی، هویت محیطی ارزش‌های متصور محیط‌زیستی تبیین کرد.

پیشنهادات

۱) مداخلات آموزشی و آگاهی بخشی با استفاده از نظریه‌هایی که سازه‌های آن به درک بیشتر رفتارهای مخاطره آمیز جامعه روستایی مانند ریختن زباله‌ها در بستر رودخانه‌ها، عواقب عدم تفکیک زباله از مبدا و عدم مراقبت از ورود دام به حریم جنگل‌ها؛

۲) آموزش مهارت‌های زندگی از قبیل تفکر نقاد و جرات مندی به منظور توانمندسازی از طریق آموزش‌های همگانی با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و برگزاری کلاس‌های آموزشی؛

۳) تشکیل گروه‌های همیار محیط‌زیست از میان روستاییان دوستدار محیط زیست با رسانه‌های مجازی؛

۴) برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با محصولات طبیعی و صنایع دستی برای معرفی روستا؛

۵) برگزاری جلسات دوره -ی در دهیاری‌ها برای حل مشکلات محیط‌زیستی روستا

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «سنجش وضع مسئولیت‌پذیری جامعه روستایی نسبت به محیط‌زیست و ارتقای آن در استان مازندران» است که با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور - معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری انجام پذیرفته و بدین‌وسیله از حمایت آن کارفرمای محترم قدردانی می‌شود.

منابع

- اداره کل گردشگری مازندران (۱۳۹۶). وضعیت گردشگری در استان مازندران، منتشر نشده. تاریخ دسترسی، ۱۳۹۷/۱/۲۵.
- ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: انتشارات سمت.
- ستاد تسهیلات سفر نوروزی (۱۳۹۷). *گزارش وضعیت سفر نوروزی*، منتشر نشده. تاریخ دسترسی ۱۳۹۷/۱/۲۸.
- سجاسی قیداری، حمدالله و عرب تیموری، یاسر (۱۳۹۷). سنجش و تحلیل مسئولیت‌پذیری اجتماعی روستاییان به حفظ محیط‌زیست (مطالعه درباره دهستان‌های شهرستان خواف)، *مسائل اجتماعی ایران*، سال نهم، شماره ۱، صص: ۷۹-۹۹.
- شفیعی، آزاده (۱۳۹۶). *تحلیل جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی اجتماعی با تأکید بر بی‌تفاوتی محیط‌زیستی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.
- صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا (۱۳۹۷). *جامعه و انرژی*، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران و شرکت تولید و توزیع گاز استان مازندران.
- ضیاءپور، آرش، کیانی‌پور، ندا و نیکبخت، محمدرضا (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه، *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، سال اول، شماره دوم، صص: ۶۷-۵۵.
- قاسمی، فریده (۱۳۹۲). *انگیزش مصرف پایدار*، تهران: انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کریم‌زاده، سارا (۱۳۸۹). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی (مصرف انرژی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
- گراوس، ماتیس و رودیگر، مائوتز (۱۳۹۶). *انرژی‌های تجدیدپذیر: رویکردی جامعه‌شناختی*، ترجمه صادق صالحی، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران و شرکت گاز مازندران.
- متی‌زاده، میثم، و زمانی، غلام‌حسین (۱۳۹۱). *تدوین مدل رفتار محیط‌زیستی زارعان شیراز، علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره هشتم، شماره دوم، صص: ۷۵-۶۳.
- نعیمی، امیر، رضایی، روح‌الله، موسی‌پور، کوثر (۱۳۹۷). تحلیل سازه‌های محیط‌زیستی تأثیرگذار بر رفتار حفاظت از محیط‌زیست روستاییان شهرستان باغملک استان خوزستان، *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد چهاردهم، شماره دوم، صص: ۱-۲۲.

- Ajzen, I. & Fishbein, M.(1980). *Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior*, Pearson; 1 edition (March 17, 1980)
- Chen, Y. (2017). Practice of environmentally significant behaviours in rural China: From being motivated by economic gains to being motivated by environmental considerations, *Journal of Behavioural Science*,7:59-68.
- Choudri, B. S., Baawain, M., Al-Zeidi, K., Al-Nofli, H., Al-Busaidi, R., & Al-Fazari, K.(2016). Citizen perception on environmental responsibility of the corporate sector in rural areas, *Environment, Development and Sustainability*, 19(6): 2565–2576.
- Clubb, A. C.(2012). *Protecting the Castle: Applying protection motivation theory to explain the use of home guardianship*, https://Scholarworks.gsu.edu/cj_theses/4. Acces date: 22/Dec/2018.pp 6.7.
- Janmaimool, P., & Denpaiboon, C. (2016). Evaluating determinants of rural Villagers' engagement in conservation and waste management behaviors based on integrated conceptual framework of Pro-environmental behavior, *Life Sciences, Society and Policy*, 12(1): 12.
- Kollmuss, A. & Agyeman, J. (2002). Minding the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro- environmental behavior? *Journal of Environmental Education Research*, 8(3): 239-260.
- Mehmetoglu, M. (2010). Factors Influencing the Willingness to Behave Environmentally Friendly at Home and Holiday Settings, *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 10(4): 430-447.
- Mol, A. (2005). *Globalization and Environmental Reform: The Ecological Modernization of the Global Economy*, MTI Press.
- Milne, S., Orbell, S., & Sheeran, P. (2002). Combining motivational and volitional interventions to promote exercise participation: protection motivation theory and implementation intentions, *Br J Health Psychol*, 2:163-84.
- Noomene, R. (2011). Consumers' recycling attitudes: Towards socially responsible consumption, Paper Presented at *85th Annual Conference of the Agricultural Economics Society*, Warwick University, UK, 18-20 April.
- Ölander, F. & Thøgersen, J. (1995). Understanding consumer behavior as prerequisite for environmental protection, *Journal of Consumer Policy*, 18: 345-385.
- Rainear, A.M., & Christensen, J. L. (2017). Protection motivation theory as an explanatory framework for pro environmental intentions, *Communication Research Reports*, Vol.00. No.00, PP: 1-10.
- Schwartz, S. (1977). Normative influences on altruism, *Advances in Experimental Social Psychology*, 10: 222-27.
- Stern, P.C. (2000). Toward a coherent theory of environmentally significant behavior, *J. Soc. Issues*, 56: 407–424.
- Takahashi, B., & Selfa, T. (2014). Predictors of pro-environmental behavior in rural american communities, *Environment and Behavior*, 47(8): 856–876.
- Triandis, H. C. (1977). *Interpersonal Behaviour*, Monterey, CA: Brooks/Cole.